

نوید سعیدی رضوانی¹، سپیده توکلی²

از ضد شهرسازی تا شهرسازی طبیعی شهروندگرا

1. مقدمه

تئوری پردازی در هر علمی - از جمله شهرسازی - لازمه درک و تحلیل دقیقتر پدیده هاست. در کشورهای در حال توسعه معمولاً نظریات بومی تولید نمی شود و اگر نگاه تئوریک نیز برای تحلیل پدیده ها مورد استفاده قرار گیرد ، منبعث از نظریاتی است که در کشورهای توسعه یافته ساخته و پرداخته شده است. این نظریات اگرچه اغلب منسجم و برای فهم بهتر ماهیت و روابط پدیده های اجتماعی مفید هستند اما از آنجاکه بستر تولید آنها متفاوت از فضا - مکانی که مورد استفاده قرار می گیرند ، بوده است بعضاً در تبیین کامل موضوعات نارسا هستند ، لذا ساخت تئوریهای بومی که بتواند به شفافیت میدان برای اقدام محلی کمک کند، ضرورتی انکار ناپذیر است ، مقاله حاضر می کوشد با تبیین مفهوم «ضد شهرسازی» و نحوه گذار از این وضعیت به حالت «شهرسازی طبیعی شهروندگرا» گام کوچکی در این مسیر بردارد.

2. ضدشهرسازی

ضدشهرسازی به مفهوم انجام فعالیتها و ایجاد فضاهایی در شهرهاست که در طرحها و برنامه

1. دکترای شهرسازی - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی،

NAVIDSAEIDIREZVANI@YAHOO.COM

2. کارشناس ارشد معماری، پژوهشگر ، Sepideh_Tav@yahoo.com

های مصوب شهری جایگاهی نداشته و برای آنها تعریفی ارائه نشده است بلکه تحت تأثیر شرایط نامساعد اقتصادی، فشارهای اجتماعی و دیگر عواملی که در ادامه بررسی خواهد شد، به وجود آمده اند و گاهی از سوی مدیریت رسمی شهر نیز مورد پذیرش قرار گرفته اند و استمرار آنها حتی جنبه قانونی یافته است.

تبدیل کاربریها و غلبه کاربری تجاری¹، ایجاد مراکز یا بورسهای تجاری _ خدماتی غیر رسمی یا بی برنامه و البته غیر استاندارد، گستردگی تخلفات ساختمانی و استفاده بی ضابطه از فضاهای شهری در قالب تبدیل فضای پارکینگ به فضای سکونت یا فضای باز خصوصی (حیاط) به پارکینگ، بهره گیری از تراکم اضافه، کنسول و پیش آمدگی²، توسعه سکونتگاههای غیر رسمی³، پراکندگی و بزرگ شدن غیر ضروری شهر⁴، اغتشاش در نماها و ناهماهنگی در حجمها، نبود فضاهای اجتماعی تعریف شده و اجتماع جوانان و سایر گروهها در مکانهایی که بدین منظور طراحی نشده اند و بازی کردن کودکان در فضای نا امن خیابانها، از جمله ویژگیهای ضد شهرسازی است.

هریک از این فضاها یا فعالیتها، نمود بیرونی یک نیاز در سطح شهر است که نادیده گرفته شده یا به خوبی ارضاء نشده است.

1. در مشهد، می توان به توسعه خطی تجاری در جوار اغلب بلوارها نظیر بلوار امامت و پیروزی اشاره نمود که در طرح تفصیلی پیش بینی نشده است.

2. به گفته مشاور شهردار مشهد در سایت Mashhad.Ir (شهریور 1385)، در طی مدت کوتاهی 152 هزار اخطار ساختمانی برای سازندگان صادر شده است.

3. بنا به مطالعات طرح راهبردی ساماندهی حاشیه شهر مشهد در حدود 660.000 نفر در زمان تهیه این طرح در حاشیه شهر مشهد زندگی می کرده اند.

4. مشهد 1/4 (یک چهارم) جمعیت تهران اما 1/3 (یک سوم) مساحت آن را داراست.

عوامل مؤثر بر پدیده ضد شهرسازی عبارتند

از:

1. **شیء شدگی شهر:** شیء شدگی شهر هنگامی رخ می دهد که همه روابط اجتماعی به روابط اقتصادی تقلیل یابد. آن گاه انسان به دستاوردهایش و از جمله شهرش به مثابه شیء قابل معامله می نگردد. شیء شدگی شهر در ایران از زمانی تشدید شد که شهرداریها موظف به خودکفایی شدند، از این رو شهر شیء شده برای کسب درآمد به فروش می رسد. (کمال اطهاری، 1385: 3).

2. **برنامه ریزی بدون وجود عزم و نیروی سیاسی:** عزم و نیروی سیاسی که به صورت وضع قوانین، تخصیص منابع مالی، دستورها و بخشنامه ها و بالاخره توجه عمومی و همچنین توجه مدیران دولتی و محلی بروز می کند، نمایانگر این است که شهر برای رسیدن به وضعیت مورد نظر تا چه حد مصمم است و تا چه میزان آماده است که منابع محدود خود را برای رسیدن به وضع مورد نظر به کار گیرد، در فقدان چنین عزمی (محمد رضا زریونی، 1374: 65)، برنامه ها به تحقق نمی رسند و به ضد خود تبدیل می شوند.

3. **کمیبود منابع مالی:** نبود توان اقتصادی عمومی برای رعایت ضوابط و استانداردها و گران به نظر رسیدن رعایت این ضوابط و معیارها.

4. **مدیریتی:** نبود مدیریت یکپارچه، ساختار نامناسب مدیریتی...

5. **سطح نازل آگاهی عمومی** در مورد تبعات عدم رعایت اصول شهرسازی

6. **غیر تخصصی بودن** ترکیب شوراها و به تبع آنها مدیران شهری

7. **تغییر مداوم ترکیب جمعیتی** به دلیل ورود مهاجران تازه آمده به شهر

8. **کمیبودهای قانونی و پیچیدگیهای حقوقی**

9. **عدم توان پیش بینی دقیق** یا بی توجهی به پیش بینی فضاهای موردنیاز توسعه شهری

10. **عدم نظارت** مستمر بر رشد شهر و جامع گسیخته شدن گسترش آن
11. نبود یا ضعف در عملکرد نهاد دیده بان شهری غیر دولتی

3. شهرسازی طبیعی

شهرها برای مردم ساخته می شوند، این نکته به ظاهر ساده و بدیهی گاه چنان در طرحهای شهری مورد بی اعتنائی قرار گرفته است که گویی طراحان برای خود یا موجوداتی که الزاماً باید مانند آنان بیندیشند، بیسندند و عمل کنند، دست به طراحی می زنند و طراح گویی اتاق نشیمن خود را می آراید، برطبق سلیقه شخصی و بدون توجه به علائق و ترجیحات بهره برداران، الگوهایی را به کار می گیرد.

البته همیشه مسئله به این سادگی نیست و به طور معمول طراح یا برنامه ریز واقعاً قصد ندارد نظرات مردم را مورد بی توجهی قرار دهد و خود می پندارد طراحی او منطبق بر خواسته های مردم و پاسخگویی نیازهای آنان است. اما در عمل محصول کار وی چنین مقصودی را برآورده نمی سازد. به نظر می رسد که در این موارد، مشخص نبودن فرایند مشارکت، بی توجهی به تمایلات طبیعی و ترجیحات بهره برداران، جامع نگر نبودن مطالعات برنامه ریزی یا عدم استفاده یا استفاده نامناسب از روش های تحقیق علمی، چنین پیآمدهایی را داشته است. به عنوان نمونه می توان به تجربه راندلف.تی.هستر¹، مؤلف کتاب **برنامه ریزی فضایی واحد همسایگی همراه با مردم**² اشاره نمود، مضمون تجربه وی چنین است: «تابستان گذشت من از یک زمین بازی محلی که سه سال پیش آن را در کمبریج طراحی کرده بودم، بازدید نمودم، قبل از بازدید، تصور می کردم وقتی به آن

1. Randolph.t.Hester

2. Planning Neighborhood Space with People

جا بروم با والدینی مواجه خواهم شد که زیر سایه درختان مشغول مطالعه هستند و در ضمن به فرزندانشان نگاه می‌کنند، بچه‌ها با شادی می‌دوند، از وسایل بازی بالا می‌روند و تفریح می‌کنند و نوجوانان نیز بسکتبال بازی می‌کنند، اما وقتی به آن‌جا وارد شدم نه بچه‌ای بود که بالا رود، نه پدر و مادری که مطالعه کند و نه نوجوانی که از وسایل بازی آویزان شده باشد، پایه‌سبدهای بسکتبال کج شده بود، درختان خشکیده و شاخه‌هایشان شکسته بود و... من از خودم پرسیدم، چه بر سر این‌جا آمده است؟ چه چیزی در اینجا غلط بوده است؟ سپس من به طور جدی تجاریم در طراحی فضاهای باز واحدهای همسایگی را با یکدیگر مقایسه نمودم. من قبلاً فضاهایی را طراحی کرده بودم که به بخش مهمی از واحد همسایگی تبدیل شده بود. شاید علت آن باشد که مردم این محله در برنامه‌ریزی فضای باز شرکت داده نشده بودند، آیا کار ما غیر از این بود که یک الگوی واحد طراحی کردیم و آن را در هر جایی به اجرا درآوردیم.»

وقتی مسأله دقیقتر بررسی می‌شود نویسنده علت ناکامی خود را به طور مشخص‌تری در می‌یابد و اضافه‌کند: «عوامل متعددی بر عدم موفقیت زمین‌بازی مؤثر بود. برخی از این عوامل مانند فقر و ناامیدی عمومی مردم منطقه محل طراحی، خارج از کنترل طراح بود اما برخی دیگر می‌توانست در طراحی مدنظر قرار گیرد، عادت مردم این واحد همسایگی چنین است که در اطراف آپارتمان‌هایشان مثلاً روی پله‌ها گرد می‌آیند و با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند و بدین ترتیب وقت فراغت خود را می‌گذرانند (بویژه بانوان) به عبارت دیگر ایشان عادت ندارند مسافتی نسبتاً طولانی را برای رفتن به فضای فراغتی بپیمایند، در نتیجه بچه‌ها مجبورند در داخل آپارتمان یا محوطه یا کوچه اطراف آن بازی کنند. بنابراین زمین‌بازی مورد استفاده بانوان و کودکان تحت نظارت آنها قرار

نی گیرد و برعکس مأوای گروههای بزهکار که به دنبال مکانی دنج و فاقد نظارت می گردند، می گردد. «(c.f.Randolph.T.Hester, 1984, PP iX,X)

نویسنده در نتیجه گیری، اهمیت توجه به عادات فرهنگی، نیازها و تمایلات طبیعی مردم را متذکر می شود و انگیزه خود از تألیف این کتاب ارائه روش و چارچوبی برای مشارکت دادن مردم در برنامه ریزی بیان می نماید.

تجربه آقای هستر نشان می دهد که حتی در برنامه ریزی یک فضای بازی بی توجهی به ترجیحات و عادات مردم چه تبعاتی دارد و بدون شک هرچه مقیاس واحد مورد برنامه ریزی بزرگتر باشد این تبعات نامطلوب و گسترده تر خواهد بود.

صاحب نظر برجسته شهرسازی، آندره گوتن نیز وقتی مشخصات شهرسازی را بر می شمارد و اهداف آن را بیان می کند، قاطعانه می نویسد: «شهرسازی تنها یک هدف دارد و آن ایجاد محیطی است که ضامن بقای بشر بوده و ارزش خصائص عالی بشری را نمودار سازد. «(آندره گوتن، 1358: 129) و ادامه می دهد: «شهرسازی در حالی که توجهش معطوف به افراد بشر است، باید احتیاجات روحی و جسمی او را نیز تأمین نماید.» (آندره گوتن، 1358: 129) در مقابل این اندیشمندان، نظرورانی وجود داشته اند که توجه گرایش ها و عادات شهروندان را یکسره رد کرده و در پی خلق، معرفی یا شاید تحمیل الگوهایی بوده اند که متفاوت از ترجیحات جاری انسانها بوده، بعنوان مثال شارل _ ادوارد ژانره مشهور به **لوکوربوزیه**¹ کوچه باغ ها و کوچه های پر پیچ و خمی که در بافتهای تاریخی شهرهای شرق و غرب وجود داشت را نمی پسندید و نوشت: «خیابان چم و خم دار راه حیوانات است، خیابان مستقیم راه انسانهاست.» (فرانسواز شوای، 1375: 235 و 237) وی همچنین با شکل متعارف خیابانها مخالف بود و چنین نگاشت: خیابان -

1. Charles _ Edouard Jeanneret dit le orbusier

راهرو با دو پیاده رویی که بین خانه های بلند نفس نفس می زند می باید از میان برود. شهرها این حق را دارند که چیزی جز قلاعی پر راهرو باشند.» (فرانسواز شوای، 1375: 235 و 237)

لوکوربوزیه و دیگران رهبران جنبش مدرن بدین ترتیب گذشته را با همه درسهایش رد کردند و خواستند طرحی نو در همه زمینه ها بیفکنند اما موفق نشدند چون طبایع و ترجیحات شهروندان را در مطالعات خود وارد نکرده بودند. با این مقدمه اگر بخواهیم شهرسازی طبیعی شهروندگرا را تعریف کنیم، عبارت زیر تا حدی و بیانگر این مفهوم خواهد بود:

«شهرسازی طبیعی شهروندگرا فرایندی است که در آن شهروندان در تمام یا بخشی از مراحل آن داوطلبانه، فعالانه و متعهدانه مشارکت می کنند، در این نوع شهرسازی اگرچه به استانداردها، ضوابط و مقررات توجه می شود اما شهرساز با توجه به شناختی که از ارزشها، تمایلات، نیازها و ترجیحات بهره برداران پیدا می کند، می کوشد انعطاف لازم را در طرح به نحوی به وجود آورد که ضمن رعایت اصول پذیرفته شده، پاسخگویی به نیازها در بالاترین حد ممکن عملی شود.»

برخی ویژگیهای شهرسازی طبیعی شهروندگرا عبارت است از:

1. در شهرسازی طبیعی شهروندگرا، مردم در فرایند طراحی شرکت می کنند و نقشهایی را در این زمینه برعهده می گیرند و طراح شهروندگرا سعی می کند عناصری را که خود در طرح ندیده اما مردم با عکس العمل خود، وی را به آنها، متوجه ساخته اند در طراحی وارد کند. حتی گاه پیش می آید که طراح بخشی از طرح را ناتمام می گذارد و آن را بر اساس رفتار مردم کامل می کند، به

عنوان مثال در پارک، مسیرهای ارتباطی مشخص نمی شوند و بعد از استفاده مردم، مسیرهایی که به صورت طبیعی توسط مردم انتخاب می شوند، به رسمیت شناخته می شوند و تجهیز و مناسب سازی می گردند (به این ویژگی حرکت طبیعی¹ گفته می شود).

2. از منظر این تئوری، رفتار انسانی برآیندی از انگیزه ها و نیازهای فرد، قابلیت محیط، تصویر ذهنی فرد از دنیای خارج ناشی از ادراک او و معنایی که این تصویر برای وی دارد، می باشد، اجتماع از طریق تعریف حریمها و هاله ها، دستگاه ارزشی، هنجارها و توقعاتش، رفتارها را تحت تأثیر قرار می دهد، انسانها و رفتارهایشان می توانند فضا را دگرگون نمایند لذا فضا را نمی توان بدون آنها در نظر آورد.

استانداردهای جهانی بر اساس حداقلها و شرایط ثابت تدوین شده اند، بنابراین نمی توانند در هر حال و بدون انطباق با شرایط خاص، مورد استفاده قرار گیرند (جهانزاد پاکزاد، 1385: 57).

3. این نوع شهرسازی منجر به ایجاد حس مکان می شود، این حس فضا را از حالت عام و یکسان برای همه می رهند و آن را به نقطه ای خاص برای مخاطبانش تبدیل می کند، حس مکان می تواند منجر به ایجاد تعلق خاطر در افراد و نهایتاً ثبات و ماندگاری اجتماع در شهر شود. حس مکان رابطی است بین گذشته و آینده، بین فرد و اجتماع، بین مصنوع و طبیعت که فضا را از حالت لغزنده می رهند و آن را تبدیل به جایی می کند که ورود و خروج هدفمند را می طلبد (مرضیه ترابی، 1380).

1. Natural Movement

4. شهرسازی طبیعی شهروندگرا بر تولید فضاهای انعطاف پذیر، توجه به نیاز همه گروهها و ایجاد محیطی برای همه، دسترسی برابر به فرصتها، تخیلها و شادیها، تولید فرصتهایی برای شخصی سازی فضا و مشارکت در طراحی، حفظ هویت و ایجاد نقاط خاطره انگیز و همچنین افزایش سطح آگاهی و حساسیت شهروندان نسبت به مسائل شهری و کیفیت محیط کالبدی تأکید دارد.

5. در زمینه مشارکت، این تئوری بر **شفافیت**¹ روشن بودن اهداف پروژه ها - **همه گیری**² روندهای مشارکت باید همه اعضای جامعه را فارغ از سن، جنس، نژاد، قومیت، ناتوانی جسمی و جایگاه اقتصادی و اجتماعی در برگردد - **تعاملی**³ - مشارکت متعلق به کسانی است که به همان اندازه که زبانی گویا برای سخن گفتن دارند، گوشه شنوا نیز برای شنیدن دارند، **مرتبط**⁴: مشارکت براساس آگاهی های محلی⁵ که شامل اطلاعات و بینشی که اهالی محل، درباره جایی که در آن زندگی می کنند و موضوعاتی که زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می دهد دارند، شکل می گیرد لذا اطلاعات فنی و مفاهیم کلیدی باید به زبان ساده و همه فهم و در چارچوبی جذاب و گیرا ارائه شود تا مورد استفاده ساکنان محلی قرار گیرد.

تحول ساز⁶ هدف نهایی توسعه مشارکتی، ایجاد برخی تغییرات در جامعه محلی است. این تغییرات نباید به تغییرات کالبدی و اقتصادی محدود گردد،

1. Transparency
2. Inclusiveness
3. Interactive
4. Relevent
5. Local Knowledge
6. Transformative

بلکه باید در برگزیده تغییراتی در رابطه بین اجتماع محلی و کل جامعه، تغییراتی در روابط بین مشارکت کنندگان و از همه مهمتر، تغییراتی در ارزش های فردی و دیدگاه های مشارکت کنندگان، باشد.

داوطلبانه¹: مشارکت هیچ گاه، اجباری نیست، افراد در فرایندهای مشارکتی شرکت می کنند به این خاطر که اهمیت آن را درک کرده اند، راههای تأثیرگذاری را شناخته اند و معتقدند که مشارکت آنها می تواند تأثیرگذار باشد. (David Driskell, 2002)

6. سلسله مراتب نیازها به معنی الزام در ارضای نردبانی آنها نیست بلکه تمام رده های نیاز در جای خود به یک اندازه ضرورت دارند. نیازها غریزی هستند ولی رفتارهایی که برای ارضای آنها بروز می کند، آموختنی می باشند. (جهانزاد پاکزاد، 1385: 240)

4. گذار از " ضد شهرسازی" به " شهرسازی طبیعی شهروندگرا"

حال که با مفهوم و ابعاد " ضد شهرسازی" و " شهرسازی طبیعی شهروندگرا" آشنا شدیم می توانیم به راه حل های گذار از مرحله " ضد شهرسازی" و ورود به عرصه " شهروندگرایی" پردازیم، لذا به برخی از راه حل ها در این زمینه می پردازیم:

1-4. طراحی مبتنی بر نیاز شناسی و نیاز سنجی
برای آنکه بتوان یک شهر را "شهروندمدار" تلقی کرد، لازم است که فضاهای درون و بیرون آن به نیازهای ساکنانش پاسخ دهد. تمام رفتارهای انسانی به نوعی در جهت برآوردن نیازهاست، بنابراین طراحی محیط مصنوع باید مبتنی بر

نیازهای انسانی باشد. شاید در بدو امر، این نظر شبیه دیدگاه نوگرایان باشد که معماری و شهرسازی ایشان در پی برآوردن نیازهای اولیه ساکن مجتمع زیستی بود. اما اگر این فرضیه را رد کنیم که «تمام انسانها نیازهای مشابه دارند» و در این جمله که «خانه ماشین زندگی است» تردید کنیم و بپذیریم انسانها علاوه بر نیازهای مشترک، نیازهای خاصی دارند که تحت تأثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی، توانایی جسمی، وضعیت جنسی، سنی و... به وجود می آید، اهمیت شناخت نیازهای متغیر شهروندان بیش از پیش آشکار می شود.

تعریف و شدت احساس نیاز، نسبی و اصولاً افزایش یابنده است به عبارت دیگر اگر در گذشته نیاز به سکونتگاه با هر کیفیتی، نیاز اصلی بود اکنون واحد مسکونی استاندارد، مجهز به تاسیسات مورد نیاز و مقاوم در برابر زلزله برآورد کننده این نیاز تلقی می گردد. بنابراین ارضاء نیازها بویژه در سطوح بالاتر، ماهیتی کیفی دارد و ضابطه پذیری آن کمتر است. به عنوان مثال در مورد نیازهایی مانند خودشکوفایی که با رضایت از بهره وری وقت آزاد و حضور فعال در فضا تعریف می شود و نیازهای زیبایی شناسانه که در لذت بردن و کشف فضا متجلی می شود، باید توجه عمیق تر و برنامه ریزی دقیق تری وجود داشته باشد تا شهروندان در این زمینه ها احساس رضایت نمایند.

4-2. تعریف فرآیند مشخص برای مشارکت

شهروندان در برنامه ریزی

برای تحقق شهروند مداری باید فرایند مشخص برای مشارکت پذیرفته و اجرا شود، در این زمینه فرایند ذیل که در بسیاری از جوامع مورد آزمون قرار گرفته و کارآمدی آن مورد تأیید قرار گرفته پیشنهاد می شود:

1. تعریف هسته ها و گروههای مشارکتی. 2. تشکیل جلسات مشارکتی و گوش کردن به سخنان مشارکت

کنندگان در زمینه مشکلات و اهداف . 3. تعیین اهداف. 4. گردآوری اطلاعات و نقشه ها. 5. ترکیب اطلاعات گردآوری شده. 6. تشکیل مجدد جلسات مشارکتی و معرفی جامعه به خودش بر اساس اطلاعات گردآوری شده و تصحیح این شناخت اولیه با توجه به دیدگاههای شرکت کنندگان. 7. تشخیص فعالیت‌های لازم برای نیل به اهداف و تدوین ایده های اولیه. 8. تدوین معیارهای انتخاب راه حل ها با مشارکت شهروندان. 9. تدوین راه حل ها و انتخاب راه حل مناسب بر اساس معیارها. 10. انتقال مسئولیت به نمایندگان محلی. 11. اجرا. 12. ارزیابی بعد از اجرا (نوید سعیدی رضوانی، 1385).

3-4. توجه به دیدگاههای نو در زمینه رشد هوشمند¹

عدم توانایی در پیش بینی و کنترل رشد شهر مولد " ضد شهرسازی " است، از این رو اتخاذ تدابیری با هدف کنترل و هوشمند کردن رشد شهری بسیار ضروری است، نبود رشد هوشمند تبعاتی نظیر گستردگی شهر، تراکم ترافیکی، عدم ارتباط محله ها، تنزل کیفیت شهر را در بردارد، لذا برای تحقق چنین رشدی توجه به افزایش برنامه ریزی شده تراکم شهری بویژه در مراکز شهری و محله ای، بازیافت و استفاده مجدد از زمین شامل زمینهای بایر، بلااستفاده، حریم ها، کاربریهای غیر شهری نظیر انبارها، سردخانه ها، اراضی نظامی، حفاظت از بافتهای تاریخی و استفاده از کاربری مختلط²، توسعه بر محور حمل و نقل عمومی³، مدیریت تقاضای حمل و نقل⁴، قیمت گذاری راهها⁵، طراحی

1. Smart Growth

2. Mix use

3. TOD (Transit Oriented Development)

4. TDM (Transportation Demand Management)

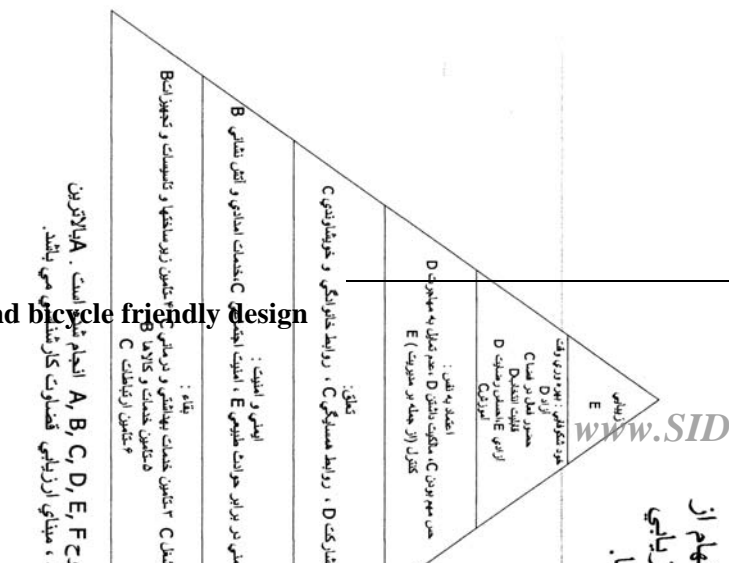
5. Road pricing system

دوستدار دوچرخه و پیاده روی¹ توصیه می شود². (c.f WWW.Wikipedia)

4-4. چشم انداز سازی و تعهد همه بازیگران شهری به اجرای آن

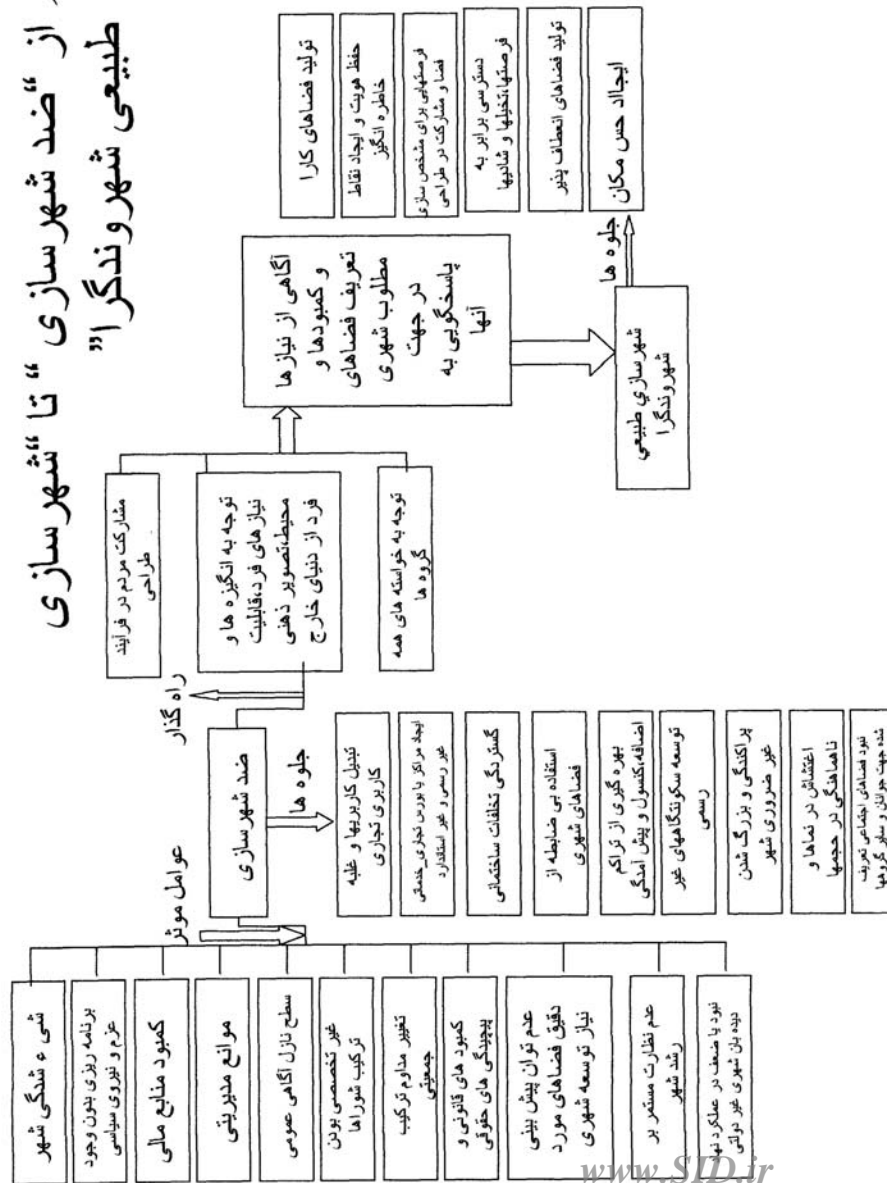
چشم انداز تصویری از حالت یا وضعیت شهر در آینده، به عبارتی یک تصویر ذهنی از یک آینده ممکن، مطلوب، جذاب، معتبر و در عین حال واقعی است، چشم انداز به ما کمک می کند تا جایگاه خود و شهرمان را در خلق فرصتها و استفاده از آنها بیابیم و ما را یاری می رساند تا یک روش مناسب برای ایجاد و تغییرات و پاسخ همزمان به تغییرات خارجی طرحریزی کنیم. چشم انداز بر اساس مزیتها، نیازها و خواسته ها طرح می شود و از این جهت با شهرسازی طبیعی قرابت دارد، همچنین جذاب، به سادگی قابل فهم برای همه و نیرو دهنده و محرک خرد و احساسات است. اگر همه بازیگران شهری اعم از برنامه ریزان، مدیران، جریان و مردم چشم انداز را بصورت مشارکتی بسازند، بپذیرند، آن را فراموش نکنند و متعهدانه در پی تحقق آن باشند، می توان امیدوار بود که بسیاری از فرایندهای ضد شهرسازی خنثی شوند.

1.Walkable and bicycle friendly design



نمودار ۲-

طبیعی شهر وندگرا^۱ از "ضد شهرسازی" تا "شهرسازی"



5. نتیجه گیری

شیء شدگی شهر، برنامه ریزی بدون وجود عزم و نیروی سیاسی، کمبود منابع مالی، موانع مدیریتی، سطح نا آگاهی عمومی، غیر تخصصی بودن ترکیب شوراها، کمبودهای قانونی و پیچیدگیهای حقوقی، عدم نظارت مستمر بر رشد شهر و سایر عوامل، باعث شده است که پدیده ضد شهرسازی به طور جدی رشد و توسعه موزون شهرها را به خطر اندازد و مدیریت شهری را از اداره مطلوب شهرها ناتوان سازد.

این در حالی است که هدف توسعه شهری ایجاد شهرهایی با قابلیت زندگی بالاتر است. در این جهت بهره گیری از تمام سرمایه های انسانی، اجتماعی، فرهنگی، فکری، محیطی، طبیعی و شهری برای معکوس ساختن این روند ضروری به نظر می رسد. این سرمایه ها که سرمایه های اصلی برای توسعه شهری را تشکیل می دهند کاملاً با هم در ارتباطند و منافع حاصل از سرمایه گذاری بر آنها باید در درازمدت و به صورت اجتماعی و نه اقتصادی محاسبه شود. بدین طریق است که می توان از ضد شهرسازی گذر نمود و به استقبال شهرسازی طبیعی شهروندگرا رفت که با آگاهی از نیازها و کمبودهای شهروندان و تعریف فضاهای مطلوب شهری در جهت پاسخگویی به آنها بر می آید.

منابع و مآخذ

1. اطهاری، کمال، شیء شدگی شهر، 1385، شماره 486
2. پاکزاد، جهانشاه، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران، 1385
3. ترابی، مرضیه، حس مکان در شهرهای جدید، شهرداریها، سال سوم، شماره 31، آذر 1380
4. زریونی، محمد رضا، یازده اشتباه عمومی در برنامه ریزی، آبادی، سال چهارم، شماره شانزدهم، بهار 1374
5. سعیدی رضوانی، نوید، فرایند شهرسازی مشارکتی، ارائه شده در سمینار توانمند سازی بافتهای فرسوده، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی، بهمن 1385

6.c.f.Randolph.T.Hester,Planning Neighborhood Space with People ,California,Vannostrand,Reinhold company,1984.

7.David Driskell,Craeting Better cities with children and youth (A manual for Participation),unesco publishing and Earth scan,Paris,2002.